

فرهنگ اصطلاحات زندانیان سیاسی

اعظم کیا کجوری

azam_kiakojouri@yahoo.com

“گریه” اکنون صفتی آبتَر است
چرا که به تنهایی گویای خون‌تشنگی نیست
تحمیق و گران‌جانی را افاده نمی‌کند
نه مفت‌خواری را
نه خودبارگی را

تاریخ

ادیب نیست

لغت‌نامه‌ها را اما

اصلاح می‌کند.

احمد شاملو

درآمد

آنچه در پی می‌آید تلاشی است برای ثبت بخشی از واژه‌های رایج نزد زندانیان سیاسی در جمهوری اسلامی ایران در زندان‌های اوین، قزل‌حصار و گوهردشت در فاصله‌ی زمانی 1360 تا 1367. تا جایی که نگارنده اطلاع دارد این اولین تلاش در این زمینه است و به همین دلیل طبیعی است که کوتاهی‌ها و اشکالات فراوان در آن راه یافته باشد. بخش مهمی از این اشکالات ناشی از آن است که تقریباً تمام این متن شفاهی-بنیاد یعنی متکی بر یادآوری خاطره‌ها پس از چندین سال است. به هررو می‌توان آن را نسخه‌ی صفر اثری دانست که باید در طی زمان و با یاری حافظه‌های بیش‌تری تکمیل شود. بجاست که در

همین‌جا دست‌یاری‌خواهی به سوی همگان دراز کنم تا کاستی‌ها و ناراستی‌های آن را به نشانی الکترونیک نگارنده ارسال کنند.

شاید متخصصان جامعه‌شناسی زبان در این نوشته نکاتی درخور توجه بیابند ولی این اثر تتبعی زبان‌شناختی نیست. شاید بتوان آن را در زمره تک‌نگاری‌های زندان محسوب کرد. با همه تلاش‌های مشکوری که در زمینه ادبیات زندان صورت گرفته است، هنوز بخش اعظم این قصه پرغصه ناگفته مانده است. شاید محدودماندن ادبیات زندان به خاطره‌ها، با همه اهمیت و ارزش آن، و استفاده نکردن از شکل‌های دیگر نقصی باشد که باید رفع کرد. بخش زیادی از نامه‌ها، شعرها، طرح‌ها و داستان‌های زندان انتشار نیافته است. هنوز هیچ اثر مستقلی به بازی‌ها، تفریحات و سرگرمی‌های زندان نپرداخته است. برنامه‌های مطالعاتی و آموزشی گروه‌های مختلف سیاسی و تمایزات و تشابهات آن‌ها محل تامل جدی است. نحوه تعامل زندانیان گروه‌های سیاسی مختلف با یکدیگر و در درون خود بخش مهمی از تاریخ این دوران است. تک‌نگاری‌های زندان دریچه‌هایی بار می‌کند بر برخی از مؤلفه‌های دستگاه اندیشگی. زندانبان وزندانان..

فراهم آوردن این مجموعه جز با مهر بی‌پایان برخی عزیزان میسر نبود. عزیزانی که مجبور به یادآوری دقیق و همراه با جزییاتی خاطراتی شدند که سال‌ها گذشته بود تا سایه این خاطره‌ها از کابوس‌هایشان سبک شود. شکنجه دوباره قربانیان شکنجه در یادآوری گذشته‌ها از معضلات اخلاقی این کار است که روا بودن یا نبودن و حدود و ثغور آن محتاج تامل و وارسی جداگانه است. سپاسی از اعماق دل کوچکم نثار دل‌دریایی‌شان باد

سخن آخر این که این مجموعه خاضعانه تقدیم می‌شود به نازنین پاکبازی که تن‌ها و جان‌های خسته‌شان گواهان گران‌جانی و خون‌تشنگی کم‌نظیر قرن‌هاست.

240 ر.ک. بند 240

246 ر.ک. بند 246

325 ر.ک. بند 325

3000 ر.ک. کمیته مشترک.

آدم شدن اصطلاح زندانبان برای توأب شدن.

آسایشگاه بندی در زندان اوین که طی سال‌های 60-62 با بیگاری کشیدن از زندانبان ساخته شد و صرفاً سلول انفرادی داشت..

آلبوم دانشجویی آلبومی شامل عکس و مشخصات و فعالیت سیاسی دانشجویان دانشگاه که به کمک انجمن‌های اسلامی دانشجویان و توأبان دانشجوی تهیه شده بود. از این آلبوم برای شناسایی دانشجویان مشکوک و کسانی که فعالیت‌های خود را کتمان می‌کردند استفاده می‌شد.

آمار اتاق شمردن روزانه زندانبان توسط نگهبان.

آموزشگاه ساختمانی سه طبقه در دامنه تپه‌های اوین شامل شش سالن که با زیاد شدن زندانبان، همه زندانبان مرد بندهای قدیمی (و در مقطعی نیز زندانبان زن) به آنجا منتقل شدند.

آموزشی تلویزیون مدار بسته زندان که برنامه‌های ایدیولوژیک و مصاحبه‌های توأبان را پخش می‌کرد و تماشای آن اجباری بود.
آنتن خبرچین.

اتاق آزادی اتاقی در دفتر مرکزی که زندانی را برای طی کردن تشریفات آزادی، از جمله تعهد عدم فعالیت سیاسی، امضای انزجارنامه و دادن نشانی بستگان برای آوردن وثیقه، به آنجا می‌بردند.

اتاق ملاقات سالنی که زندانبان در آن از پشت شیشه با بستگان درجه اول خود ملاقات می‌کردند.

اتاق وصیت اتاقی که زندانبان را قبل از اعدام برای نوشتن وصیت (و گاه برای ترساندن و نمایش) به آنجا می‌بردند.

اجرای احکام شعبه‌ای از دادستانی که مسئولیت ابلاغ و اجرای احکام صادره از دادگاه‌ها را بر عهده داشت.

احراز توبه‌ای زندانی که پس از دریافت حکم آزادی از دادگاه بنا بر تشخیص مقامات زندان متنبه نشده بود و مطابق بخشنامه داخلی دادستانی انقلاب می‌بایست تا اطلاع ثانوی و احراز توبه در بازداشت به سر ببرد.

اضطراری 1. آن کس که جز در مواقع چهارگانه مشخص شده برای زندانبان سلول‌های دربسته نیاز به دفع ادرار یا قضای حاجت پیدا کند. 2. وضعیت چنین شخصی.

اطلاع ثانوی ر.ک. احراز توبه‌ای امکاناتی زندانی که ارتباط تشکیلاتی با گروه‌های سیاسی نداشته و صرفاً به واسطه رابطه دوستی یا خویشاوندی

امکاناتی چون محل خواب، اتوموبیل یا کمک مالی به گروه سیاسی می‌کرده‌است.

انزجارنامه متنی حاکی از انزجار زندانی از گروه‌های سیاسی و محکوم کردن اعمال آن‌ها همراه با اعلام وفاداری به نظام جمهوری اسلامی که در مقاطعی امضای آن شرط لازم آزادی زندانیان بود. انفرادی سلولی که در آن زندانی به تنهایی زندگی می‌کند و مخصوص زندانیان تازه‌بازداشت‌شده در دوران بازجویی یا برای تنبیه زندانیان متمرّد و در هم‌شکستن مقاومت زندانیان سرموضعی بود. در سال‌های اولیه به علت کمبود جا گاه بیش از یک زندانی در سلول انفرادی به‌سرمی‌برد.

بازرسی سلول مراجعۀ سرزده نگهبانان به سلول و لخت کردن و بیرون بردن همه زندانیان برای به هم‌ریختن و جستجوی وسایل زندانیان به قصد یافتن وسایل ممنوعه چون مداد، خودکار، تیزی، بطری شیشه‌ای.

با کلیه وسایل عبارتی که نگهبان هنگام فراخواندن زندانی برای انتقال از سلول به زبان می‌آورد و جز در موارد آزادی، معمولاً نشانه‌ای بود از امر ناخوشایندی چون اعدام یا انتقال به انفرادی یا زندان دیگر به قصد تنبیه.

بچه‌های توالی حدود ده تن از زندانیان زن قزل‌حصار که در سال 1361 برای

چندین ماه به عنوان تنبیه در توالی زندگی می‌کردند.

بچه‌های چادررنگی زندانیان زن قزل‌حصار که در سال 1363 به مقررات اجباری شدن چادر مشکی تن ندادند و همچنان چادررنگی به سرمی‌کردند و این سبب مدتی ممنوع‌الملاقات شدند و حدّ شلاق بر آن‌ها جاری شد.

بچه‌های سینما زندانیانی که هنگام تماشای فیلمی با مضمون اجتماعی (گویا عروج انسان یا چگونه فولاد آبدیده شد) در سینما تخت جمشید دستگیر شده بودند و همه را به عنوان مشکوک به اوین آورده بودند.

بچه‌های واحد 1. زندانیان زنی که مدتی در قیامت به سر برده بودند. 2. زندانیان زنی پس از گذراندن قیامت نیز تواب نشده بودند.

برگشتن ر.ک. بریدن.

بریدن تمام شدن طاقت زندانی در برابر شکنجه و سختی زندان و دست کشیدن از عقایدش.

بریده ر.ک. تواب.

بلا تکلیف زندانیی که روند رسیدگی به پرونده‌اش متوقف شده بود و گاه 1 تا 2 سال برای بازجویی هم احضار نمی‌شد.

بند بخشی از زندان که از نظر اداری مستقل و شامل چندین سلول است.

بند 1. 209. بندی در کنار بهداری زندان اوین شامل حدود 100 سلول انفرادی. 2. شعبه بازجویی مستقر در این بند که

مدت‌ها در اختیار سپاه و خاصّ زندانیان مجاهد بود.

بند 40 نام جدیدتر بند 4 از بندهای قدیمی که از ابتدا محل نگهداری زندانیان زن بود.

بند 246 نام جدیدتر بند 3 از بندهای قدیمی که از ابتدا محل نگهداری زندانیان زن بود.

بند 325 ساختمان دوطبقه‌ای در اوین شامل دو بند 5 و 6 و تعدادی سلول انفرادی. با اینکه تجیزات این بند کهنه بود ولی جایی خوش‌منظره و با امکانات رفاهی خوب بود که عمدتاً زندانیان سلطنت‌طلب، بهایی، و متهمان اقتصادی را در آن نگه‌می‌داشتند.

بند 269 ر.ک. آموزشگاه.

بند زنان 1. بندی که زندانیان آن زن باشند. 2. طنابی که لباس‌های زندانیان مبتلا به بیماری‌های زنان روی آن پهن می‌شد.

بند قارچی‌ها طنابی که زندانیان مبتلا به قارچ پوستی لباس خود را روی آن پهن می‌کردند.

بند نان طنابی که زندانیان قزل‌حصار در دوره‌ای که جیره نان محدودیت نداشت، بر روی آن نان خشک می‌کردند تا به عنوان بیسکویت مصرف کنند.

بندکار زندانیی که کارگر بند است.

بندکاری کارگری کردن برای بند.

بندهای قدیمی بندهای 1. 2 (مردانه) 3، و 4 (زنانه) اوین که نزدیک به

دفتر مرکزی و چسبیده به بهداری و بند 209 بود و پس از مدتی محل همه آن‌ها محل نگهداری زندانیان زن شد. هر بند دو طبقه و 13 سلول 6×6 (متر) داشت.

بندهای چهارگانه ر.ک. بندهای قدیمی.

بهداری بیمارستان زندان اوین که کنار بندهای چهارگانه قرار داشت و عمدتاً مخصوص بیماران شکنجه شده و دیالیزی بود.

پتوییچی پیچیدن کتری یا فلاسک چای در لابلاهای پتوها به منظور گرم نگه‌داشتن آن از زمان تحویل گرفتن تا زمان مصرف. پتوتکانی بردن پتوهای سربازی به هواخوری با اجازه نگهبانان و تکاندن آن‌ها برای آنکه پریشان کم شود و برای زندانیان بیماری تنفسی ایجاد نکند.

پتورنگی بتوی نسبتاً مرغوب بی‌پرز که خانواده‌های زندانیان برایشان می‌آوردند. پتوشخصی ر.ک. پتورنگی

پتومشکی پتوی سربازی پرزدار که به هر زندانی دو عدد از آن می‌دادند.

پرزگیری گرفتن پرزهای نشسته از پتوهای مشکی بر روی موکت به کمک حوله خیس، ابر یا کف دست که جزو وظایف کارگری سلول بود.

پشت بند محوطه تپه‌های پشت بند 4 که محل تیرباران زندانیان بود.

پنکه بادزدن یکدیگر به کمک پارچه یا چادر خیس

پوستی زندانیی که دچار بیماری پوستی است.

پیت چای پیت حلی پنییر که زندانیان در قزل حصار از آن برای جوش آوردن آب چای و نگهداری چای استفاده می کردند. پیچ توبه پیچی با شیب تند در ابتدای جاده منتهی به زندان اوین از مقابل هتل اوین. چون تقریباً همه زندانیان پس از دستگیری توبه تاکتیکی می کردند، معروف بود که همه پس از گذشتن از این پیچ توبه می کنند.

پیوندی زندانیی که پوست جایی از بدنش (معمولاً کشاله ران) برای ترمیم به کف پای آسیب دیده از شکنجه پیوند می شد.

تأییدیه نامه ای که حزب توده و سازمان فداییان اکثریت (قبل از دستگیری رهبران حزب توده) در تأیید وابسته بودن زندانی به سازمان خود می نوشتند تا زندانی آزاد شود.

تابوت ر.ک. قیامت.

تاکتیکی دروغین و مصلحتی، مانند توبه تاکتیکی، نماز تاکتیکی و مصاحبه تاکتیکی.

تپه ر.ک. پشت بند.

تخت ها ر.ک. قیامت

تخلیه اطلاعاتی بیرون کشیدن همه اطلاعات زندانی با شکنجه مداوم.

تعزیر عنوان شرعی برای زدن کابل، شیلنگ و طناب بر کف پا و پشت زندانی به منظور اقرار گرفتن. به لحاظ فقهی تعزیر کم تر از حد (یعنی 74 ضربه شلاق) است و حکم آن را باید حاکم شرع بدهد

ولی در عمل تعزیر حدی نداشت، در اختیار بازجو بود و بسیاری در زیر آن جان می سپردند. این موارد سبب شد که احکام تعزیر سفیدامضاء در اختیار بازجویان قرار گیرد.

تعزیری زندانیی که تعزیر شده باشد.

ت کشیدن 1. ته ظرف غذا را با نان پاک کردن. 2. روزنامه را با تمام جزییات خواندن.

تک نویسی اقرار و اعتراف زندانی در مورد فعالیت های افراد دیگر از جمله هم پرونده ای های خودش.

توحید ر.ک. کمیته مشترک.

توآب 1. زندانیی که از گذشته خود پشیمان است، اعتقادات پیش از زندان خود را رد می کند، تمام اطلاعات خود در مورد فعالیت های خود و دیگران را داوطلبانه در اختیار بازجو قرار می دهد و از رفتار و گفتار زندانیان دیگر برای مقامات زندان و بازجویان خبر چینی می کند. توآب ها بسته به سن، خصلت های شخصیتی، خانوادگی و طبقاتی برخی یا تمام این کارها را با درجات بسیار متفاوت انجام می دادند. 2. زندانیی که آگاهانه تصمیم گرفته است برای زودتر آزاد شدن از عقاید سیاسی و ایدئولوژیک خود دفاع نکند، از مقررات زندان تبعیت کند و برخی از اعمال مورد پسند مقامات زندان را انجام بدهد. توآب بازی افراط و تظاهر بیش از اندازه به رفتار توآب ها.

توآبِ صفر کیلومتر اصطلاحِ حاجی داوود
برای توآب‌هایی که در قیامت توآب شده
بودند و نه در دورانِ بازجویی و علیه
یکدیگر نیز گزارش می‌دادند.

تیتروخوانی بلند خواندنِ تیتروهای صفحه
اول روزنامه به محض ورود روزنامه به
سلول برای اطلاعِ همگان قبل از دست
به دست شدنِ روزنامه.

تیزی شیئی تیز که برای کارهایی مانند
خیاطی، کاردستی و بریدن میوه از آن
استفاده می‌شد، نگه‌داری آن ممنوع بود
و در بازرسی‌های سلول ضبط می‌شد. این
شیئی ممکن بود تکه‌شیشه‌ای پیدا شده
در باغچه‌ی هواخوری باشد یا تکه‌آهنی
مثل درِ کنسرو که با ساییدن بر اسفالت
هواخوری تیز شده باشد.

تیغی خوابیدن خوابیدن بر روی یک شانه
به نحوی که تمام بدن در خط مستقیم و
عمود بر زمین باشد.

جاسازی پنهان کردنِ اشیاء ممنوعه
(مانند تیزی، مداد، کتاب و نوشته) در
محلی که به‌آسانی به دستِ زندانبانان
نیفتد.

جعبه‌ها ر.ک. قیامت.

جوجه‌کباب با شلاق کوبیدن بر سر و
روی زندانی و چرخاندن او در حالی که از
قپانی آویزان است.

جوراب کفی زدن دوختن پارچه به کف
جوراب نو (برای عمر بیشتر) یا جورابی
که کف آن ساییده و از بین رفته باشد.

جهاد واحدی به نام جهاد سازندگی در
زندانی اوین که به کمک زندانیان عمدتاً
توآب به ساختمان‌سازی و باغبانی در
محوطه‌ی اوین می‌پرداخت.

جهادی زندانی که در جهاد سازندگی
زندانی کار می‌کرد.

جیره‌ی روزانه کابل یا شلاقی که بعضی از
زندانیان در دوره‌ی معینی از بازجویی خود
هر روز می‌خوردند.

چای بزی چایی که به خاطر پیچیده
شدن در پتو بو و طعمِ پشم پتو به خود
می‌گرفت.

چای حمام چایی که با آبِ داغ حمام
درست می‌شد.

چای‌بندی ر.ک. پتوپچی.

چشم‌بند تکه‌ای پارچه‌ی ضخیم که مقابل
چشم قرار می‌گیرد و دو بند در دو طرف
دارد که در پشت سر گره می‌خورد تا
زندانی بازجو و دیگر زندانیان را نبیند و
نیز هنگامِ بازجویی ترس و وحشت بر وی
مستولی باشد.

چشم‌بند کلاهی کلاهِ ضخیمی که تا روی
گردن کشیده می‌شود و تنها مقابل
چشمان، بینی و دهان سوراخ‌های
کوچکی دارد و بر خلافِ چشم‌بند
معمولی، بازی کردن با آن و دیدن او
زیر آن ممکن نیست.

چلانیدن شکنجه‌ی مفرط زندانی بدون
هدفِ دستیابی به اطلاعاتِ خاص و صرفاً
به منظور حصولِ اطمینان از فرایند

بازجویی در جلسه قبل از تنظیم کیفرخواست.

حاج داود حاج داود رحمانی سرپرست زندان قزل حصار.

حسینیه سالن سرپوشیده بزرگی در زندان اوین که محل برگزاری مراسم عزاداری، سخنرانی و مصاحبه زندانیان بود. محل نشستن مردان و زنان در حسینیه با پارتیشن از هم جدا شده بود. شرکت در مراسم حسینیه، وقتی از جانب نگهبان اعلام می‌شد، اجباری بود و تخطی از آن منجر به تنبیه می‌شد.

حوله گرفتن نگاه داشتن حوله نسبتاً بزرگ در مقابل کسی برای اینکه بتواند لباسش را در حضور جمع عوض کند.

حمام واجب حمام برای غسل جنابت زندانی محتمل.

خادم نامی که نگهبان‌ها به مسئول اتاق‌هایی که خود انتصاب می‌کردند، می‌دادند تا با آنچه زندانیان به کار می‌بردند متمایز و دارای ظاهر اسلامی باشد.

خامه‌پنیری ماده‌ای که از هم‌ردن پنیری که از طریق دفعات مکرر در آب خیس کردن نمک آن را گرفته باشند، با شیر و شکر به دست می‌آمد. این حد از تجمل در ساله‌های 1364 به بعد میسر شد که کنار گذاشتن روزانه حدود 20 گرم از جیره پنیر سلول و استفاده از شیر معده‌ای‌ها ممکن بود.

خانه‌تکانی ر.ک. چلانندن.

خانه‌داری ر.ک. خدماتی.

خدماتی اصطلاحی که زندانبانان و توأب‌ها به‌جای کارگری به کار می‌بردند تا از اصلاح به زعم خودشان چپ متمایز و دارای ظاهر اسلامی باشد.

خط اندیشه و تصمیم ناشی از تفکر یا رابطه جمعی در میان زندانیان که به گمان مقامات زندان منبعت از رابطه تشکیلاتی با خارج از زندان بود. یکی از اتهامات زندانیان سرموضعی خط دادن به دیگران یا خط گرفتن از دیگران بود.

خطری زندانیی که پرونده‌اش سنگین است و انتظار حکم اعدام برایش وجود داشت.

خنزری کیسه یا قوطی که تکه‌های پارچه اضافه، سنجاق یا خرده‌ریزهای سلول را در آن نگه می‌داشتند.

خواب کنسروی ر.ک. تیغی خوابیدن. خواستگار نامی که در بعضی بندهای زنان به کوکلس کلان‌ها داده بودند.

دادیار ناظر زندان ر.ک. دادیاری.

دادیاری شعبه‌ای در دادستانی که زندانیان را برای انجام امور حقوقی و اداری خارج از زندان خود که به تأیید بازجو رسیده بود (مانند وکالت برای فروش اموال) به آنجا می‌بردند.

دال‌زدن خم کردن پاها در خواب در هنگامی که بنا بود همه تیغی بخوابند. این کار سبب می‌شد زندانی فضای بیش‌تری از آنچه به همه می‌رسید اشغال

کند و در نتیجه عده‌ای جا برای خواب نداشته باشند.

دبۀ اضطراری دبه‌ای در سلول برای قضای حاجت که وقتی زندانی نمی‌توانست تا وقت دستشویی خود را نگه‌دارد و نگهبان نیز اجازه رفتن به دستشویی در خارخ از نوبت نمی‌داد، از آن استفاده می‌شد و بعد در وقت دستشویی خالی و تمیز می‌شد. داشتن یا نداشتن دبۀ اضطراری در سلول از مسائل اختلاف‌برانگیز میان زندانیان بود. درباز بندی که در آن در سلول‌ها به راهروی اصلی سلول بار است و زندانیان می‌توانند آزادانه در راهرو قدم بزنند یا به سلول‌های دیگر رفت و آمد کنند.

دربسته بندی که در آن در سلول‌ها به راهروی اصلی سلول بسته است و زندانیان تنها در اوقات چهارگانه دستشویی و هنگام هواخوری از سلول خارج می‌شوند.

در جازدن پریدن بر روی کف پا در حالت ایستاده بعد از شکنجه‌شدن با کابل که زندانی را بدان مجبور می‌کردند تا ورم کف پایش بخوابد، از بیشتر پاره مویرگ‌ها جلوگیری کند تا بتوان با فاصله کوتاه‌تری وی را مجدداً شکنجه کرد.

دستبند آمریکایی دستبندی که هنگام کابل زدن دستان زندانی را با آن به تخت می‌بستند. با تقلای زندانی در زیر شکنجه نیرویی به دستبند وارد می‌شود که آن را

سفت‌تر و فشار وارد بر دست زندانی را بیش‌تر می‌کند. درد و زخم این دستبند گاه تا 4-5 ماه باقی می‌ماند.

دستبند قپانی ر.ک. قپانی.

دستشویی مجموعه تاسیسات بهداشتی هر بند شامل 3-4 دوش، یک سینک ظرفشویی و 3 تا 4 توالت که تمام زندانیان یک سلول در بسته راروزانه چهار بار مدتی بین 15 تا 30 دقیقه در آن می‌کردند و در آن را می‌بستند تا زندانیان از توالت استفاده کنند، ظرف و رخت بشویند، حمام کنند، وضو بگیرند و مسواک بزنند.

دفتر مرکزی مقر دادسرای انقلاب اسلامی مرکز در زندان اوین که ساختمانی سه طبقه است. شعب بازجویی در طبقات اول و دوم و دادگاه‌ها در طبقه سوم مستقر بود.

دورنشستن به صورت دایره در سلول نشستن برای آنکه نگهبان به آسانی آمار بگیرد.

دوک نخ‌تابی قوطی خالی شامپو که از خاک باغچه پر می‌شد و برای تابیدن نخ به کار می‌رفت.

دهه زجر دهه جشن سالگرد انقلاب اسلامی، موسوم به دهه فجر، که در آن فشار فوق‌العاده‌ای به زندانیان برای شرکت در مراسم تحمیلی وارد می‌آمد.

ر کب زدن رودست زدن بازجو به زندانی برای اینکه ناگفته‌های خود را بگوید.

روز بهداری روزی از هفته که به سلول نوبت می‌رسید تا سهمیه معینی از بیمارانش را در معیت مسئول بهداری سلول نزد پزشک بند بفرستد. تشخیص اولویت بیماری زندانیان برای مراجعه به پزشک با مسئول بهداری سلول بود.

روز نامه روزی که نوبت نامه نوشتن سلول بود (معمولاً ماهی یک بار) و نگهبان با کاغذ و خودکار به سلول می‌آمد. هر زندانی حق داشت بر روی فرم‌های مخصوص نامه پنج خط بنویسد.

روزنامه‌پیچی لوله کردن روزنامه‌های باطله برای درست کردن کارهای دستی مانند قفسه و سایر مایحتاج زندانیان.

زویدادهای هفته ر.ک. گزارش‌هفتگی. زنان مربوط به زندانیان زن مبتلا به بیماری‌های زنان مانند بند زنان، طشت زنان و میله زنان.

زیر بازجویی زندانیی که ایام بازجویی خود را می‌گذراند و هنوز به دادگاه نرفته است.

زیر حکم بودن منتظر طی شدن تشریفات اداری و تایید شدن حکم اعدام خود بودن.

زیر حکمی 1. زندانیی که پس از رفتن به دادگاه منتظر ابلاغ حکم خود است. 2. زندانیی که منتظر طی شدن تشریفات اداری حکم اعدام است.

زیر چشم‌بند زندانیی که در کمیته‌مشترک به دلیل کمبود جا همیشه با چشم‌بند بر روی یک پتو در کنار راهرو

زندگی می‌کرد. گاهی زندانیان تا یک سال زیر چشم‌بند بودند.

زیرزمین زیرزمینی که زیر شعبه‌های 5 و 6 این قرار داشت و محل شکنجه بود.

زیر هشت محل استقرار نگهبانان و دفاتر بند که زندانی را برای بازجویی درمورد مسائل سلول و تنبیه داخلی به آنجا می‌بردند. این اصطلاح از زمان شاه در زندان قصر رایج بود که محل استقرار نگهبانان در آن در تقاطع هشت راهروی زندان بود.

ساردینی خوابیدن ر.ک. تیغی خوابیدن.. ساعت خاموشی ساعتی از شب که بنابه مقررات زندان پس از آن نمی‌بایست صدایی از سلول به گوش برسد و زندانیان در آن ساعت می‌خوابیدند.

ساعت سکوت ساعتی از روز در صبح و عصر که خود زندانیان برای مطالعه اعلام سکوت می‌کردند.

ساک‌چینی چیدن ساک‌های زندانیان در قفسه‌ها یا گوشه‌ای از سلول به نحوی که کم‌ترین جا را اشغال کند و به آسانی در دسترس باشد.

سال شصتی زندانی قدیمی که از سال 1360 در زندان به سر می‌برده است.

سالن هریک از بندهای ششگانه آموزشگاه که 14 تا 16 سلول 4×6 یا 5×4 داشت.

سرکارگری مسئول هماهنگی و تقسیم کار در بین افراد کارگری هنگامی که تعداد افراد کارگری زیاد بود.

سرموضع بودن از عقاید سیاسی و ایدئولوژیک خود دست‌نکشیدن و توّاب نبودن.

سرموضعی 1. زندانیی که علناً از مواضع سیاسی و ایدئولوژیک گذشته خود دفاع می‌کند. 2. زندانیی که توّاب نشده باشد.

سرودخوانی خواندن اجباری سرود "خمینی ای امام" در ابتدای هواخوری که تا سال 1362 ادامه داشت.

سطل اضطراری ر.ک. دبه اضطراری.

سگ‌دانی نوعی سلول انفرادی تنبیهی در زندان گوهردشت به ابعاد $2 \times 0/8$ (متر) و ارتفاع $1/2$ متر که زندانی همیشه می‌بایست در آن بنشیند.

سلول 1. کوچک‌ترین واحد تقسیمات زندان که اتاق محل سکونت زندانی است. 2. ر.ک. سلول انفرادی.

سنگ‌سابی سایدن تکه‌سنگ‌های کوچک بر کف آسفالت یا سیمان هواخوری برای صیقلی کردن آن‌ها و ساختن اشیاء تزئینی.

سوخت جت مخلوط کوبیده شده خرما و کره یا انجیر و کره.

سیم‌کشی شکنجه زندانی با زدن کابل بر کف پا.

شخصی آنچه برای استفاده شخصی زندانی است و جمع حق استفاده از آن را ندارد.

شخصی خوری داشتن خوراکی شخصی و استفاده از آن که مذموم بود.

شعبه هر یک از تقسیمات دادستانی برای رسیدگی به پرونده زندانی که نوعی تقسیم کار تخصصی بر حسب اتهام زندانیان داشتند.

شعبه پنجمی زندانیی که اتهام وی مربوط به حزب توده یا سازمان اکثریت بود.

شعبه شیشمی زندانیی که اتهام وی مربوط به گروه‌های چپ دارای مشی براندازی بود.

شعبه هفتمی زندانیی که اتهام وی فعالیت مسلحانه برای سازمان مجاهدین بود.

شطرنج‌نونی شطرنج ساخته شده از خمیر نان که داشتن آن غیرقانونی بود و قطع جیره نان از جمله تنبیهات آن بود.

شناسایی لو دادن زندانیی که تمام یا بخشی از فعالیت سیاسی یا حتی هویت اصلی خود را کتمان کرده است.

شهردار بند ر.ک. مسئول بند.

شیخ دکتر شیخ‌الاسلام وزیر بهداری رژیم شاه که در زندان به خدمت جمهوری اسلامی درآمد و کینه عجیبی به زندانیان سرموضع داشت. معروف است که برای از مرگ بازگرداندن کسانی که سیانور خورده بودند دارویی ابداع کرده بود.

صنفی ر.ک. کارگری

طرح مالک و مستأجر طرحی برای ردگیری فعالان سیاسی در سال 1360.

بنا به این طرح بنگاه‌های معاملات املاک و مالکان موظف شدند یک نسخه از قرارداد اجاره یا فروش را در اختیار

کمیته بگذارند و برای اسباب‌کشی می‌بایست از کمیته مجوز گرفت.

عبرت نشریه‌ای که برخی از زندانیان توّابِ چپ در کمیته‌مشارکت تهیه می‌کردند و در هواخوری نصب می‌شد.. عمومی ر.ک. در باز.

فرجی کشیدن ر.ک. ملی‌کشی

فروشگاه پاسداری که ماهانه با فهرستی از کالاهای خوراکی و پوشیدنی به سلول‌های دربسته مراجعه می‌کرد و زندانیان، با پولی که خانواده‌ها برایشان می‌فرستادند، از اجناس آن فهرست سفارش می‌دادند.

فلش‌گذاشتن بیرون گذاشتن مقوایی به شکل فلش از زیر در سلول انفرادی برای خبر کردن نگهبان (چون زدن به در یا صدا کردن ممنوع بود).

فوتبال محاصره زندانی توسط چند بازجو و پرتاب وی با مشت و لگد به سوی یکدیگر.

قاتی‌خوری مخلوط کردن پلو و خورش از ابتدا، مخلوط کردن و کوبیدن خرما و کره یا انجیر و کره.

قارچی آنچه متعلق و مربوط به زندانیان مبتلا به قارچ پوستی است، مانند بند قارچی، طشت قارچی و میله قارچی.

قپانی دستبندی که به کمک آن دست‌های زندانی را که از پشت به هم می‌رساندند، می‌بستند. فشار قپانی معمولاً باعث شکسته شدن استخوان‌های کتف می‌شود. برای اثربخشی بیشتر

معمولاً زندانی را با قپانی از جایی آویزان می‌کنند.

قرآن منافقین قرآن ترجمه معزی که به سبب ترجمه دقیق و تحت‌اللفظی مناسب یادگیری زبان عربی بود و به همین دلیل در اوین از سلول‌ها جمع‌آوری می‌شد.

قرنطینه سلولی در بندهای در باز که زندانی در بدو ورود ساکن آنجا می‌شد و پس از مدتی بسته به نوع رفتار و اتهام به سلول خاصی تخصیص می‌یافت. قزل ر.ک. قزل حصار.

قزل حصار زندانی واقع در 20 کیلوتری کرج که شامل سه بخش مجزا به نام واحد بود.

قیامت 1. نوعی سلول انفرادی سرباز که به کمک تخته‌های نئون کفی تخت‌های چندطبقه ساخته می‌شد. زندانی می‌بایست در فاصله طبقه‌ها (که به مرور آن را کم می‌کردند) از ساعت 7 صبح تا 10 شب چهارزانو با چشم‌بند بنشیند و روزانه سه بار او را به دستشویی و هفته‌ای یک بار او را به حمام می‌بردند و ملاقات نیز نداشت. در تمام این مدت از بلندگوها نوحه، مصاحبه توّاب‌ها و سخنرانی مذهبی پخش می‌شد 2. چادر کوچکی در زندان قزل حصار که زندانیان مرد را در روزهای گرم تابستان در آن سرپا نگه می‌داشتند. حاج داود به این دلیل آن را قیامت نامیده بود که معتقد

بود هیچ‌کس در آنجا به دادِ زندانی نمی‌رسد.

کاناپه پتوهای (معمولاً رنگی) که روزانه دور سلول چیده می‌شد و زندانیان روی آن‌ها می‌نشستند.

کارت گذاشتن بیرون گذاشتن کارت از زیر در سلول انفرادی برای خبر کردن نگهبان (چون زدن به در یا صدا کردن ممنوع بود).

کارگاه زیرزمینِ حسینیهٔ اوین که گروهی از زندانیان توآب و/یا دارای نیاز مبرم مالی درازای مبلغ ناچیزی در آنجا خیاطی، بافندگی یا نجاری می‌کردند و محصولات آن در زندان به فروش می‌رسید.

کارگاهی زندانیی که در کارگاه کار می‌کرد.

کارگری 1. مجموعهٔ افرادی که به نوبت کارهای روزمرهٔ سلول یا بند(مانند نظافت، ظرف‌شویی، تحویل‌گرفتن و توزیع غذا) را بر عهده می‌گرفتند. 2. مجموعهٔ کارهایی که این افراد بر عهده داشتند.

کاغذ سیگاری آلومینیوم بسته‌های سیگار که با سوزن خیاطی روی آن مطلب می‌نوشتند.

کتابخانه پاسداری که ماهانه همراه با فهرستی از کتاب‌های که مقامات زندان مجاز تشخیص داده بودند، به سلول‌های در بسته مراجعه می‌کرد تا زندانیان از آن

میان کتاب برای امانت‌گرفتن انتخاب کنند.

گد نشان رمزی که هواداران حزب توده و اکثریت قبل از 1362 به بازجویان خود می‌دادند تا هویت سازمانیشان اثبات شود و آزاد شوند.

کشیدن 1. در زندان بودن و گذراندن ایام زندان. 2. تحمل کردن زندان و ناملایمات آن.

کفش‌های روزهای سه‌شنبه و پنج‌شنبه که به ترتیب دعای توسل و کمیل (همراه نوحه‌خوانی) با صدای فوق‌العاده بلند در سراسر زندان پخش می‌شد و زندانیان به شدت عصبی می‌شدند یا به اصطلاح کف می‌کردند.

کلیه‌ای زندانیی که (معمولاً بر اثر شکنجه با کابل) دچار بیماری کلیه بود.

کمیته‌مشترک زندانی در نزدیکی میدان توپخانه (محل فرماندهی نیروی انتظامی) که پیش از انقلاب مقرر کمیتهٔ مشترک ضدخرابکاری ساواک و شهربانی بود. سپاه پاسداران بخشی از زندانیان چپ خود را در دوران بازجویی در این محل نگاه می‌داشت.

کمونوی اصطلاحی که بیشتر مقامات زندان برای توصیف نحوهٔ استفادهٔ مشترک و گروهی زندانیان سرموضع از پول، موادخوراکی و لباس‌های نو به کار می‌بردند و گاهی در کیفرخواست زندانی نیز گنجانده می‌شد.

کوکلوس کلان زندانیانِ توّابی که کیسه‌ای به سر می‌کشیدند که تنها در مقابل محلّ چشمان سوراخ داشت و برای شناسایی زندانیانِ مشکوک یا آنها که مسائل خود را بازگو نکرده بودند به سلول‌ها آورده می‌شدند.

گالی زندانی که به بیماری پوستیِ گال مبتلا بود.

گاودانی سالنی در واحد 1 قزل حصار که محلّ استقرار قیامت بود.

گزارش‌دادن خبرچینیِ شفاهی یا کتبیِ زندانیانِ توّاب در موردِ سایر زندانیان.

گزارشِ هفتگیِ آشی که هفته‌ای یک بار به زندانیان داده می‌شد و ته‌مانده‌های غذای هفته پیش را در آن می‌ریختند.

گشتِ شناسایی گشت‌زدنِ توّاب‌ها به همراهِ پاسداران در خیابان‌ها، گلوگاه‌شهرها و مقابلِ سینماها برای شناسایی و دستگیریِ فعالانِ سیاسی.

لیوانِ نخ‌دار لیوانِ زندانیانِ بیمار (معمولاً سرماخورده) که برای تمایز به دسته آن نخ می‌بستند.

مجرّد ر.ک. دربسته.

مسائلِ اطلاعاتِ زندانی از گروهِ سیاسی و نیز از فعالیتِ سیاسیِ خود و دیگران.

مسئله‌دار 1. زندانی که در حقانیت اندیشه‌های سیاسی و ایدئولوژیک خود دچار تردید شده باشد. 2. ر.ک. توّاب.

مسئولِ آب نمک آن که موظف بود در ظرف‌های جداگانه (معمولاً قوطی مایع ظرفشویی) برای غرغره گلو و بینی آب نمک درست کند و در مدت استفاده از دستشویی در اختیار دیگران قرار دهد.

مسئولِ اتاق زندانی که مجاز بود از طرف افرادِ سلول با پاسداران و مقاماتِ بند تماس بگیرد و خواسته‌های زندانیان را مطرح کند. نظارت بر امور جاری سلول و پادرمیانی در اختلافات نیز در زمره وظایف وی بود. این مسئول معمولاً از جانبِ اکثریتِ زندانیان با رای‌گیری انتخاب می‌شد ولی در مقاطعی از میان زندانیان معتمد پاسداران انتصاب می‌شد که گزارش رویدادهای سلول را نیز به آنان می‌داد.

مسئولِ بند زندانیِ توّابی که از جانب مقاماتِ زندان مسئولِ سامان‌دهی و هماهنگی امور داخلی بندهای درباز و ارتباط با مقاماتِ زندان بود.

مسئولِ بهداری زندانی که وظیفه نگره‌داری نوبت و تشخیص اولویت بیماران برای مراجعه به پزشک بند را به عهده داشت. این شخص (در صورت امکان) معمولاً دانشجوی پزشکی یا شخص آشنا به امور پزشکی بود.

مسئولِ پتو زندانی که وظیفه روزانه جمع‌آوری، مرتب‌کردن و جای‌دهی پتوها در گوشه‌ای از اتاق را به عهده داشت.

مسئولِ توالی زندانی که در هنگام استفاده از دستشویی پشت در هر توالی

می‌ایستاد و وقت استفاده از توالت را تنظیم می‌کرد.

مسئول تیتروخوانی زندانی که وظیفه تیتروخوانی روزنامه را برعهده داشت.

مسئول حمام زندانی که وظیفه نوبت‌دادن به زندانیان برای استفاده از حمام واجب، حمام کردن و شستن رخت را برعهده داشت.

مسئول خمیردندان زندانی که در سلول دربسته وظیفه بردن، حمل و بازگردان خمیردندان را برعهده داشت

مسئول خواب زندانی که وظیفه تعیین جای خواب زندانیان سلول و فضایی که به هرچند نفر می‌رسید (وگاهی که جا کافی نبود، تعیین نوبت برای خواب) را برعهده داشت.

مسئول رخت زندانی که در سلول دربسته مسئولیت پهن کردن لباس‌های شسته‌شده و جادهی آن‌ها را بر روی بندهای رخت سلول را برعهده داشت.

مسئول روزنامه زندانی که وظیفه نوبت‌دهی و تقسیم روزنامه بین افراد سلول، جمع‌آوری روزنامه‌های کهنه و احیاناً آرشیو کردن آن‌ها را برعهده داشت.

مسئول فروشگاه زندانی که پیش از آمدن فروشگاه فهرست مایحتاج سلول را با نظر زندانیان تهیه می‌کرد و پول دادن و تحویل گرفتن اجناس بر عهده وی بود.

مسئول مسواک زندانی که در سلول دربسته وظیفه بردن، حمل و بازگردان مسواک‌های زندانیان را (که با شماره در ظرف خاصی قرار گرفته بود) برعهده داشت چون در صورت جاماندن مسواک امکان بازگشت به سلول وجود نداشت.

مسئول نخ‌وسوزن زندانی که وظیفه نگهداری و مواظبت از نخ‌وسوزن سلول را برعهده داشت.

مشکوک زندانی که هیچ اتهامی به او زده باشند و صرفاً به سبب قیافه ظاهری یا حضور در محلی مشخص دستگیر شده باشد. زندانیان مشکوک گاه تا 2 سال در زندان می‌ماندند تا شناسایی شوند یا مدرکی علیه آنان پیدا شود.

مصاحبه حاضرشدن زندانی در برابر جمع، تشریح فعالیت‌های سیاسی، توضیح علل گرایش به گروه‌سیاسی، ابراز ندامت از کارهای گذشته و محکوم‌کردن گروه‌های سیاسی که در قالب مصاحبه با یکی از بازجویان ارائه می‌شد. در اوین مصاحبه معمولاً در حسینیه انجام می‌شد و فیلم آن از طریق تلویزیون مداربسته در تمام زندان پخش می‌شد. تا اواخر 1363 مصاحبه شرط لازم برای آزادی زندانیان بود. گاهی مصاحبه پذیرفته نمی‌شد و زندانی مجبور به تکرار آن بود.

معهده‌ای زندانی که به بیماری معده مبتلا بود. از سال 1362 هنگامی که غذا سوپ

یا آش بود به این زندانیان اندکی پنیر، کره یا تخم مرغ پخته داده می‌شد.

ملاقات دیدار ماهانه یا دوهفته یکبار زندانی با بستگانش به مدت ده دقیقه از پشت شیشه و صحبت کردن با تلفن.

ملاقات پانتومیمی ملاقات از پشت شیشه درحالی که تلفن وجود نداشت یا خراب بود.

ملاقات حضوری دیدار رودرروی زندانی با بستگانش در حضور پاسداران در حالتی که از پشت شیشه و با تلفن نباشد.

ملاقاتی بستگان درجه اول که به دیدار زندانی به زندان می‌آیند.

ملی آنچه از غذا، میوه و سایر خوردنی‌ها پس از تقسیم و مصرف اضافه بماند و به داوطلبان داده شود.

ملی کاری 1. انجام کار داوطلبانه از قبیل خیاطی یا نظافت‌های خارج از برنامه برای سلول یا به جای فرد موظفی که بیمار است.. 2. ضرب و شتم بدون استفاده از کابل که از نظر زندانیان عادی بود و شکنجه محسوب نمی‌شد.

ملی کش زندانی که پس از سپری شدن ایام محکومیت همچنان در زندان مانده است.

ملی کشی در زندان ماندن و آزاد نشدن پس از گذراندن ایامی که در حکم صادره از دادگاه برای زندانی مقرر شده است.

ممنوع‌الملاقات زندانی که به سبب سپری نشدن ایام بازجویی اولیه، برای

تحت فشار روحی قرارگرفتن یا به عنوان تنبیه اجازه دیدار با بستگانش را نداشته باشد.

منافق 1. زندانی که اتهامش مربوط به سازمان مجاهدین باشد. 2. زندانی سرموضع (که ادعای ندامت می‌کند).
موگیری ر.ک. پرزگیری.

مهمانی دلمه مهمانی خانوادگی که در آن جمعی از کادرهای بالای چپ در تابستان 1362 به صرف دلمه دور هم جمع شده بودند و تصادفاً دستگیر شدند.

مهندسی جای خواب مهارت تخصیص مکان خوابیدن تعداد زیادی زندانی در فضای کوچک سلول. در سال‌های 1360 و 1361 گاه می‌بایست تا 104 نفر را در سلول 6×6 (متر) جای داد.

میله‌شویی نظافت و شستن میله‌های پنجره‌های سلول.

نخ پنیر نخ قرقره تابیده شده که به کمک آن قالب پنیر نیم‌کیلویی تا 50 قسمت مساوی تقسیم می‌شد.

نخ‌تابی تابیدن نخ بلوزها و جوراب‌های مستعمل برای کاردستی و بافتنی.

نظافت کلی نظافت عمومی ماهیانه بند در باز که با خالی کردن تمام سلول‌ها در هواخوری انجام می‌شد.

نقض مقرراتی‌ها زندانیان زنی که در سال 1362 از اوین به قزل حصار منتقل شدند و مقررات آنجا (مانند مصاحبه کردن و در مراسم حسینییه شرکت کردن را رعایت

نمی‌کردند. این عده، که ابتدا حدود 20 نفر بودند و بعدها به 100 نفر رسیدند، تنبیه‌های سختی (از جمله قیامت) را تحمل کردند.

نکشیدن ر.ک. بریدن.

واحد هریک از بخش‌های سه‌گانه زندان قزل‌حصار که شامل چهار بند درباز و چهار بند دربسته بود.

وصل به دادستانی فرد یا مجموعه افرادی که به دام شبکه‌های تشکیلاتی نفوذی دادستانی (که به کمک توأبان ساخته می‌شد) می‌افتادند. این افراد مدتی دستورهای تشکیلاتی طراحی شده توسط دادستانی را اجرا می‌کردند و پس از گسترده شدن تور به اندازه کافی در حالی دستگیر می‌شدند که پرونده‌شان کامل بود و نیازی به بازجویی نداشتند. بسیاری از این افراد به اتهام شرکت در عملیات نظامی ناموفق اعدام شدند.

وقت دستشویی هریک از چهار زمان نسبتاً ثابتی در شبانه‌روز (سحر، صبح، بعدازظهر و شب) که به سلول به مدت 15 تا 30 دقیقه اجازه استفاده از دستشویی داده می‌شد. دستشویی سحر فقط برای وضو و زمانش نصف دیگر اوقات بود. گاهی نگهبان برای تنبیه یکی از این اوقات را حذف می‌کرد.

هسته‌سابی سابیدن هسته‌های خیس شده خرما بر سیمان کف هواخوری برای صیقلی کردن و ساختن تسبیح و کاردستی با آن.

هم‌پرونده هریک از دو یا چند زندانبی که با هم دستگیر شده، در واحد تشکیلاتی یکسانی فعالیت کرده، یا در عملیات یکسانی شرکت کرده باشند چنانکه اقتضا کند پرونده آنها با هم تکمیل و یکجا به دادگاه ارسال شود.

همکاری کردن توأب شدن، اطلاعات خود را در اختیار بازجو قرار دادن و گزارش دادن.

هواخوری 1. حیاط یا سلول روبازی که زندانیان سلول را روزانه به مدت 10 تا 30 دقیقه به آنجا می‌آوردند تا از هوای آزاد استفاده و ورزش کنند. 2. زمان اختصاص یافته برای استفاده از هوای آزاد.

هواخوری (در) باز حیاطی برای هواخوری بعضی سلول‌های درباز که زندانیان در تمام مدت روز حق استفاده از آن را داشتند.

یک‌کتی خوابیدن ر.ک. تیغی خوابیدن.

